

گفت و گوی صبا با عوامل نمایش چخفته

بازی کولاژ گونه کاراکترهای چخوف با ذهن

دوره سوم اجراهای نمایش چخفته در سالن چهارسو آغاز شده است. کارگردان این نمایش اشکان پیردل زنده است که در کارنامه اش دوازده سال همکاری با جلال تهرانی و مکتب تهران را دارد و حال در اولین اجرای صحنه‌ای خود توانسته مخاطبین زیادی را به سالن‌های نمایش اثرش بکشاند. در همین راستا خبرنگار صبا گپ و گفتی صمیمی با گروه نمایش چخفته پس از اجرای نمایش‌شان داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

فرزانه محمدحسین:

همه شیاریهای مغزم پر از دیالوگ‌های چخوف شد

نویسندگی از کجا آغاز شد؟

از روزی که الفبا را آموختم نویسندگی برایم شروع شد اولین داستانم سال دوم ابتدائی و در مورد دختر بچه‌ای بود که برای خوردن شاه توت می‌رود و تبدیل به درخت توت می‌شود و پر از غلط‌های املایی بود. میل نوشتن همیشه در من بود. در دانشگاه رشته متفاوتی را خواندم اما به نوشتن فیلم کوتاه مشغول بودم. از سال ۹۰ نویسنده شبکه چهار بودم و سه فیلمنامه نوشتم اما با اینکه تئاتر را بیشتر از سینما دوست داشتم نمایشنامه‌ای ننوشته بودم تا اینکه به کلاس‌های آقای چرمشیر رفتم و بعد داستان این نمایشنامه آغاز شد.

ایده اولیه نمایشنامه و روند شکل‌گیری آن چگونه بود؟

من و آقای پیردل زنده در یک دوره روانکاوی در هنر با هم آشنا شده بودیم در یک ملاقات اتفاقی آقای پیردل زنده از قصدشان برای اجرای بز شک نازنین نیل سایمون گفتند و اینکه به عنوان بازیگر در آن پروژه حضور داشته باشیم. در بز شک نازنین یک راوی وجود دارد که در روایت او داستان‌های چخوف به هم وصل می‌شوند و آقای پیردل زنده تصمیم داشتند که دیالوگ‌های راوی را تغییر دهند و چون شیوه کار ما به صورت مشارکتی بود نظر و ایده‌های ما را در طول تمرینات در نظر می‌گرفتند. از من خواستند تا نظرم را در مورد تغییرات روی نمایشنامه اعمال کنم چون می‌خواستند از آقای چرمشیر مشورت بگیرند. ما دیالوگ‌های راوی را تغییر دادیم و نظر آقای چرمشیر پس از خواندنش این بود که تغییرات خوبی انجام شده ولی می‌توان خلاقیت بیشتری به خرج داد. در نهایت ما به این نتیجه رسیدیم که کل داستان‌ها و شخصیت‌های نمایش‌های چخوف را ترکیب کنیم و شخصیت‌ها را در موقعیت‌های مختلف قرار بدهیم و یک داستان مستقل بسازیم. داستانی که روایت خاص خودش را دارد ولی وقتی از ابتدا تا انتها دنبالش کنیم این تلنگر به ذهن‌مان می‌خورد که در حال تماشای داستان‌های چخوف و کاراکترهایش هستیم. این نمایشنامه به صورت شبه‌اپیزودیک نوشته شد و اپیزودها می‌توانستند جابجا باشند و آقای پیردل زنده تمایل داشتند که داستان پیچیده‌تر باشد ولی وقتی پس از تمرینات زیاد به اجرای ژنرال رسیدیم متوجه شدیم که می‌توان نمایشنامه را کمی ساده‌تر کرد. بدین ترتیب شروع و پایان نمایش را به کاراکتر نینا گره زدیم. داستان‌ها و دیالوگ‌هایی در این بین اضافه شد تا از پیچیدگی داستان بکاهد. این نمایشنامه به صورت تجربی شکل گرفته است. من یکسری قسمت‌ها را می‌نوشتم و بازیگران اتود می‌زدند و بعد اصلاحاتی رویش انجام می‌شد و من دوباره ویرایش می‌کردم که به نظر کار سختی برای یک نویسنده است از طرفی ایده‌های جدید بدست می‌آورد و از طرفی سخت بود چون ما سه روز در هفته تمرین می‌کردیم.

باید یک نظم زمانی را رعایت می‌کردیم و در این فاصله کم باید ادیت‌ها انجام می‌شد که مرا تحت فشار قرار می‌داد. در عین حال که تمرین می‌کردیم یکسری چیزها را تغییر می‌دادیم و بازیگران هم صبوراانه همکاری کردند.

آیا این نمایشنامه اقتباس است؟

بله این اثر یک اقتباس آزاد از آثار چخوف محسوب می‌شود. باید روی آثار چخوف آنقدر اشراف می‌داشتیم که شیاریهای مغزم پر از حرف‌ها، دیالوگ‌ها و داستان‌های چخوف باشد تا جاییکه حتی عکس‌خانه‌ای که چخوف در آن زندگی می‌کرد را هم باید می‌دیدم. برای همین اگر از من پرسند که چند داستان را با هم تلفیق کرده‌ای نمی‌توانم جواب دقیقی بدهم چرا که به هر قسمتی نگاه کنم بعد و رگه‌ای از آثار چخوف را می‌بینم. ما کاراکتر دایمی و انبیا را پرورش دادیم و بیشتر از آنچه در نمایشنامه چخوف بود به او پرداختیم و یا کاراکتر نینا که در واقع کاراکتری به نام سونیا در مرغ دریایی است. اگر دقت کنیم در کارهای چخوف کاراکترها تکرار می‌شوند و شباهت زیادی به هم دارند و فکر می‌کنم اصرار اولیه کارگردان به پرداخت روی تمام آثار چخوف هم به علت وجود تکرار در آثار چخوف بود.

اشکان پیردل زنده:

انسان‌هایی که غم، ترس و بازنده

بودن را تجربه می‌کنند

چخفته در مورد چیست و سبک اجرایی شما در این نمایش چگونه است؟

چخفته به طور کلی درباره اتفاقاتی است که برای انسانی در طول زندگی‌اش رخ داده و اینکه اتفاقات را به صورت کولاژوار و انتخاب شده پیش از مرگ در ذهنش می‌بیند. این اثر به وانیاهایی که در جامعه، کشور و دنیا وجود دارند می‌پردازد. انسان‌هایی که غم، ترس و بازنده بودن را تجربه می‌کنند. انسانی که بخاطر ترس‌هایش به آنچه می‌خواهد نمی‌رسد ولی به آنچه نمی‌خواهد می‌رسد. ما از ابتدا هیچگونه قصدی برای آنکه سبک کار را فانتزی یا انتزاعی کنیم نداشتیم و بر بستر رئال همه چیز شکل گرفته بود اما در اثر اتفاقاتی که افتاد نویسنده فضا را تغییر داد و دیالوگ‌ها کمی ابزورد شد و ما در این فضا دیدیم که ذهن

آدم‌ها پرش دارد و قابل کنترل نیست، خوبی‌ها و بدی‌ها، اینکه چه خاطره‌ای به ذهن بیاید و اینکه در این لحظه به عشقت فکر می‌کنی یا به کودکی‌ات مشخص نیست. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که فضا را مانند واقعیت ذهن انتزاعی بسازیم و طبیعتاً در فضای ذهن، فانتزی هست از طرفی خودم هم در زندگی مشکلاتم را با طنز کمتر و کمتر می‌کنم و به علت بهره‌مندی نویسنده و بازیگران نمایش از شوخ‌طبعی سعی کردیم تا مسائل جدی را در قالب شوخی به انسان‌ها بگوییم.

تمرینات چخفته، روند تهیه و اجراهای آن به چه صورت بود؟

ما از مهر ماه سال ۹۹ تمرینات‌مان را آغاز کردیم و قرار بود مهر ۱۴۰۱ کار را اجرا کنیم و به خاطر مسائلی که رخ داد اجرا به تعویق افتاد و آنقدر این کلاژ از ذهن می‌پرید و بازی‌ها روی ریتیم بود که مجبور بودیم پیوسته تمرین کنیم. باعث افتخار من است که بگویم اولین تهیه‌کننده کار خود نویسنده آن خانم محمدحسین هستند و از جایی بخاطر اینکه ایشان دستیار و بازیگر کار هم بودند برای کم شدن فشار کاری ایشان از آقای ناجی‌پور درخواست کردیم که در کنارمان باشند و خانم سهندپور که دوست عزیز من هستند بخاطر اینکه نمایش را بسیار دوست داشتند به گروه تهیه‌کنندگان پیوستند و بخاطر همراهی ایشان اجراهای رشت میسر شد. ما از دی‌بهت ماه امسال ۱۲۴ اجرا در سالن نوفل‌لوشاتو داشتیم که با استقبال مخاطبان روبرو شد. آقای طاهری از مجموعه تئاتر شهر لطف کردند و به دیدن کار ما آمدند و تصمیم بر این شد که در تالار سایه هم ۱۶ اجرا داشته

